

داستان

يکي بود يکي نبود
محمد علي جمالزاده
مهدي اروند

مانده است و در نوشته هايم آنها را مدام نشخوار مي کنم و روي هم رفته زنده ايام صدها يادگار براي باقي»
«طفوليت خود هستم
جملات را خواند و شايد با خود انديشيد: «بله! او جلال آل احمد در بخشي از نامه اي که دريافت کرده بود اين ادبيات به شمار مي آيد و بي آن که آثارش مزيت هنري ويژه اي را دارا طلايه دار يك دوران شکوفايي در «تقدم برخوردار است باشد از فضيلت
نشانه پايان دوراني است که با نام ادبيات مشروطه و اين کاملاً درست است نخستين داستانهاي جمالزاده بيشتر داستان جديد از آن ياد مي کنيم و نه شالوده
سيد جمال الدين واعظ همداني از ميرمحمد علي جمالزاده به سال ۱۲۷۴ هـ.ش در اصفهان متولد شد. پدرش روزنامه هاي حبل المتين، سادات، ندای وطن و خطيبان آزادي خواهي بود که مقالات فراوان او در صوراسرافيل چاپ مي شد
مدرسه از طي دوران ابتدائي تحصيلات خود در ايران در سن هفده سالگي به بيروت رفت و در جمالزاده پس حقوق از دانشگاه به تحصيل علم پرداخت. سپس به لوزان پاریس رفت و در ۱۲۹۳ هـ.ش در رشته Laigne ديژون فارغ التحصيل شد
اول به بغداد آمد و از آنجا وارد کرمانشاه شد. اما چندان در ايران يك سال بعد در سالهاي آغازين جنگ جهاني هـ.ش ايران را به قصد آلمان ترك کرد و مقيم برلين شد ۱۲۹۵ پا سفت نکرد و در



در روزنامه ۱۳۰۰ اولين داستانش را به نام «فارسي شکر است» در سال کرد. «کاو» که مدير آن حسن تقی زاده بود و در برلين منتشر مي شد چاپ او در همين سال مهمترين اثر خود را که نشانگر شيوه اي نو در فارسي بود انتشار داد. «يکي بود، يکي نبود» که موجب شهرت داستان نويسي داستان نويس شد شامل ۶ داستان بود که با طنزي تلخ در جمالزاده به عنوان اجتماعي ايران در سالهاي پايان قرن سيزدهم توصيف کهنه پرستي و رخوت و آغاز قرن چهاردهم هجري نوشته شده بود
اين مجموعه به عقیده بسياري راهگشاي داستان نويسي معاصر بوده است هر که خواهيم ديد جمالزاده در فرايند خلاقه خود ثابت قدم نبود چند چنان روزگار باب نبود. حتي روشنفکران آن روز نيز جمالزاده داستان کوتاه در آن نيز ظاهراً از نوشتن داستان کوتاه شرمگين است که جايي مي نويسد: «اين را جدي نگرفتند. جمالزاده خود محض تفریح خاطر از مشاغل و تبعات جدي تر و به دست دادن نمونه اي از فارسي معمولي و داستانها را بين المللي کار متداوله امروزه نوشته ام.» سپس جمالزاده در سال ۱۳۱۱ به ژنو مي رود و کارمند دفتر مههمي روي سیر ادبي جمالزاده مي شود و تا پايان عمر در همان شهر مي ماند. دوري از ايران اثرات مي گذارد که به موقع مورد بحث قرار خواهد گرفت
نمي گذارد. او که نکته جالب اينجاست که جمالزاده در تمام دوران حاکميت رضا شاه اثري از خود به جا اما تاريخي اما در حساس ترين شرايط در توجه به شرايط اجتماعي متقدم بر هدايت است، حداقل از لحاظ اجتماعي زبان به کام گرفته و به سکوت مي نشيند
حالا داستان کوتاه را جمالزاده پس از شهر يور ۱۳۲۰ بسيار مي نويسد. سالي يك کتاب منتشر مي کند. او که سخن داستانهائي مي نويسد که متأسفانه از راهي براي حفظ فرهنگ عامه مي داند ضمن همکاري مدام با مجله پيشبرد ادبيات نوين و راهگشايي ذهن مخاطب تأثيري ندارد. دوري قدرت آغازين جمالزاده سراغ ندارند و در که از واقعه نويسي يکي بود يکي نبود فاصله بگيرد و همچنان تهران سالهاي مشروطه از تهران سبب مي شود نمي آيد زيرا عملاً تصوير کند. او که سالهاست دور از ايران زندگي مي کند يك نويسنده زنده به شمار را آل احمد نيز برمي آيد. زبان جمالزاده رفته رفته پيوندهاي خود را با ايران از دست داده است. اين از نامه او به قدرت خود را از دست مي دهد
سرگذشت عمو»، «آثاري که جمالزاده در اين دوران منتشر مي کند عبارتند از «دارالمجانين- ۱۳۲۱ محشر- ۱۳۲۶». او حسينعلي- ۱۳۲۲»، «سروته يك کرباس- ۱۳۲۳»، «قلتش ديوان- ۱۳۲۵» و «صحراي را کنار گذاشته و آثار او طنزهايي در اين کتابها از واقع نويسي فاصله گرفته است. مبارزه با فقر و جهل معمولي بيش نيستند
اثر چشمگيري نمي آفريند. در اين بين ترجمه هايي نظير «دون کارلوس» و در دوره هاي بعدي نيز او

شیلر، «خسیس» از مولیر و داستانهایی برگزیده را منتشر می‌کند و مجموعه داستانهای «ویلهم تل» از ... «۱۳۴۴- شورآباد- ۱۳۴۱»، «صندوقچه اسرار- ۱۳۴۲»، «آسمان و ریسمان- ۱۳۴۳»، «مرکب محو» اجتماعی در بیان داستانی و مقالاتی در مجلات ادبی می‌نویسد که همگی گزارش‌های ساده‌ای از اوضاع کنکاش قرار گیرند هستند بدون این که تحلیلی در کار باشد یا شخصیت‌ها مورد ایران و روس»، «قصه‌قصه‌ها»، «آزادی و از دیگر آثار جمالزاده می‌توان به «گنج شایگان»، «روابط معصومه شیرازی» و ... اشاره کرد. جمالزاده در تلاش «، «حیثیت انسانی»، «کشکول جمالی»، «هزار پیشه قصه‌اش به سر رسید و قصه‌قصه‌ها یعنی مرگ او را در نوشتن از واقعه نویسی سرانجام در ۱۳۷۸ نویسنده جمالزاده به ما می‌آموزد کوچکترین لغزش در فعالیت حرفه‌ای نهایتاً آواری بر قلم زندگی حرفه‌ای در عین حال نباید فراموش فرو می‌ریزد. چنان آواری که سطرهای نوشتن را به بن بست و تکرار می‌رساند سبب نوشتن یک کتاب و تنها «یکی بود، یکی کرد» اگر امروز جمالزاده فضای ذهنی ما را اشغال می‌کند به نبود» است